نگاهی به انتخابات سیرجان و بردسیر

ناصر صبحی

انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در سیرجان و بردسیر نیز مانند سایر نقاط کشور برگزار و فرد برگزیده شناخته‌شد. شهباز حسن‌پور، نماینده سه دوره پیشین با کسب چهارمین پیروزی راهی بهارستان شد.

به همین مناسبت تصمیم گرفتیم نگاهی کوتاه به نیمه بالای لیست رای‌آورندگان انتخابات امسال داشته باشیم.

حسن‌پور: دو پیروزی و یک شکست

اگر حسن‌پور در این دوره موفق شد رکورد چهار راهیابی پیاپی را در کارنامه خود ثبت کند اما از دیگر سو یک شکست نیز در کارنامه او ثبت شد. شکستی که مستند آن را می‌توان در تعداد آرای حسن‌پور جست. میزان رای حسن‌پور در اولین دوره، در سال ۱۳۸۶ یک رکورد منحصربه‌فرد و بالاترین میزان رای در تمام ادوار انتخابات مجلس در سیرجان بود؛ ۷۸ هزار و ۲۴۷ رای. پیش از این، رکورد متعلق به سال ۱۳۷۸ و در اختیار سیدمحمد هاشمی؛ نماینده دوره ششم مجلس با ۵۶ هزار و ۱۷۵ رای بود.

حسن‌پور هرگز موفق نشد در دوره‌های بعد این رکورد را تکرار یا به آن نزدیک شود. برعکس، در هر انتخابات با ریزش آرا روبرو شد:

سال ۹۰: ۶۹ هزار و ۱۷ نفر
سال ۹۴: ۵۴ هزار ۹۷۰ نفر
سال ۹۸: ۴۸ هزار و ۸۶۴ نفر

او نه تنها موفق نشده از فرصت نمایندگی مجلس در راستای جذب محبوبیت و هوادار استفاده کند که در هر دوره، بخشی از هواداران خویش را از دست داده است.

کاهش آرای حسن‌پور در ادوار مختلف، نکته‌ای نیست که از چشم خود یا اطرافیانش مخفی مانده شود اما به نظر می‌رسد راهکار او برای رویارویی با این معضل، تثبیت حلقه هواداران صاحب منصبی بوده که به او وفادار باشند. حسن‌پور تاکنون تجربه دو رقابت دشوار با سیداحمد حسینی، منصور آبیار ویک رقابت شکل نگرفته اما بسیار سنگین با ابراهیم جهانگیری را داشته اما به نظر می‌آید این‌بار حتا خود نیز باور نداشت که دست رقیب تا بدین حد نزدیک شانه او شود.

محمد معتمدی‌زاده: پدیده انتخابات

او بی‌چون و چرا پدیده غیرقابل پیش‌بینی انتخابات ۹۸ سیرجان بود. کمتر کسی گمان می‌کرد معتمدی‌زاده بتواند تا بدین حد به کسب کرسی نمایندگی مجلس نزدیک شود. معتمدی‌زاده هرچند در این انتخابات باخت اما نشان داد پتانسیل خوبی برای جذب رای دارد. می‌توان از معتمدی‌زاده به عنوان یک جانشین جوان‌تر و متفاوت‌تر از حسینی برای اصولگرایان نگاه کرد.

نکته پرسش‌برانگیز معتمدی‌زاده برای بخشی از افکار عمومی، حضور محمدرضا عرب‌گویینی به عنوان معروف‌ترین و جنجالی‌ترین حامی او بود. این همکاری موجب شد تا برخی به میزان هزینه‌های تبلیغاتی معتمدی‌زاده به دیده تردید نگاه کنند و این سؤال برای‌شان ایجاد شود عرب‌گویینی از این اتحاد چه می‌خواست؟ آیا انگیزه او از این اتحاد، تنها شکست دادن شهباز حسن‌پور بود؟ آیا عرب‌گویینی، حسن‌پور را در رد صلاحیت خود مقصر می‌داند؟

معین ضابطی: بدل احمدی‌نژاد

معین ضابطی برای اهالی سیاست سیرجان نام آشنایی است. دلبستگی او به تفکرات احمدی‌نژاد نیز اظهر من الشمس است. حتا ادبیات ضابطی، ادبیات جریان احمدی‌نژادی و با همان الگوها، نشانه‌هاست. ضابطی هرچند در انتخابات مجلس رتبه سوم را به دست آورد اما فاصله بیش از ۳۸ هزار نفری او با رتبه دوم، وی را از قامت یک چهره مدعی نزول می‌دهد. ضابطی در انتخابات اخیر و از بدو ثبت‌نام، تندترین ادبیات را در میان سایر کاندیداها داشت. ادبیاتی که می‌توانست به خصوص قشر محروم را جذب کند اما در عمل، آن‌طور که باید ماجرا پیش نرفت. با این وجود آن‌چه موجب می‌شد ضابطی به عنوان ضلع سوم انتخابات اخیر و حتا بالاتر از کاندیداهای جریان اصلاحات قرار گیرد، خبر بزرگ و خاصی بود که ضابطی وعده آن را در هنگام ثبت‌نام داد. گمانه‌زنی‌ها از این خبر بزرگ، بلافاصله متوجه احمدی‌نژاد شد و شایعه‌ای در سطح وسیع منتشر شد که قرار است احمدی‌نژاد برای حمایت از ضابطی به سیرجان بیاید. هرچند این خبر هرگز به صورت علنی اعلام یا تایید نشد اما بنا به گمانه‌زنی‌ها، این موضوع در صورت صحت، برگ برنده‌ای بود که می‌توانست از ضابطی یک مدعی بسازد اما چنین نشد. در حالی که اطرافیان احمدی‌نژاد به صراحت اعلام می‌کردند او از کسی حمایت نمی‌کند، همچنان از سوی برخی شایعه حضور احمدی‌نژاد در سیرجان شنیده می‌شد. ادبیات ضابطی برای نسل جوان پرشور بود و او در صورت داشتن مهلت بیشتر و فرصتی اضافه برای شناساندن خود، می‌توانست آرای خویش را بالاتر از حد فعلی ببرد. آن‌چه مسلم است این است که ضابطی آمده تا بماند و از این پس از او بیشتر خواهیم‌شنید.

عکس: امین ارجمند| پاسارگاد

جریان اصلاحات: پیچ در پیچ یا پوچ در پوچ

صحبت در مورد جریان اصلاحات سیرجان سخت است. زیرا آن‌چه که امروز از اصلاحات باقی‌مانده، جوان پیر شده و رنجوری است که به جای درمان، خود عامل درد است. نمونه آن هم لیست امید و دولت تدبیر بود.

در مورد میزان نفوذ جریان اصلاحات در سیرجان همین بس که آرای نفر چهارم و پنجم این لیست، روی هم رفته به آرای نفر سوم نمی‌رسید. بی‌برنامگی، ناتوانی در برقراری ارتباط با مردم، نشناختن نیازهای مردم، تبلیغات ضعیف و باری به هر جهت بودن جریان اصلاحات و هزاران عیب و ایراد دیگر موجب می‌شود، قلم زدن در مورد این جریان بی‌حاصل باشد و همان به که به خاطرات گذشته بسنده کنیم و این جریان را زنده نپنداریم.

حرف آخر: گمشدگان

میزان مشارکت در انتخابات اخیر، حدود ۱۲۱ هزار نفر بود. در مورد چرایی این میزان مشارکت باید در مطلب جداگانه‌ای پرداخته شود. نزدیک‌ترین به این تعداد را با سال ۱۳۷۸ می‌توان مقایسه کرد. در آن انتخابات، بیش از ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند. بین انتخابات سال ۷۸ تا ۹۸، ۲۰ سال فاصله است. ۲۰ سال مهاجرت، افزایش جمعیت و افزایش سن مشارکت، به قاعده می‌بایست میزان مشارکت را بالا می‌برد اما این‌گونه نشد. حقیقت این است که ۲۰ سال از ما گم شده و باید از مسئولان این سوال را پرسید که با این ۲۰ سال چه کردند؟

یادداشت

بی‌برنده بازی

رضا مسلمی‌زاده

نوجوان که بودیم باید هم صبح مدرسه می‌رفتیم و هم عصر. روزهای کوتاه پاییز و زمستان هم مجال نمی‌داد باب میل‌مان بازی کنیم. دلپذیرترین زمان‌های‌مان؛ تعطیلی عصر پنجشنبه بود و صبح جمعه و عزای‌مان از ظهر جمعه شروع می‌شد و تا ظهر پنجشنبه هفته بعد ادامه می‌یافت. یکی از دلخوشی‌های‌مان مسابقه‌ی فوتبالِ بین‌محله‌ای بود که قول و قرارش را توی مدرسه می‌گذاشتیم و معمولا عصر پنجشنبه برگزارش می‌کردیم. این مسابقه‌ها معمولا برنده نداشت. نه اینکه بعد از تلاش نود دقیقه‌ای به تساوی می‌رسیدیم، ابدا اینگونه نبود. از همه‌ی مسابقه‌های آن دوره یادم نمی‌آید که یکی از آنها سالم به پایان رسیده باشد. معمولا بر سر صحنه‌ای مشکوک اختلافات بالا می‌گرفت و مشاجره لفظی به کتک‌کاری و پرتاب سنگ و... ختم می‌شد و گاهی هم یک اشتباه تاکتیکی از سوی یکی از اعضای دو تیم که جسارت بیشتری به خرج داده بود، اسیر تیم حریف می‌شد و آثار مشت و لگد تا مدت‌ها بر اعضایش خودنمایی می‌کرد.

ما نوجوانان محروم شهرستانی حق داشتیم تا چیزی از «بازی جوانمردانه» نشنیده باشیم. اصلا این اصطلاح متاخرتر از دعواهای مادر فوتبال‌های بین‌محله‌ای است اما ما تنها بازیگران بازی‌های ناجوانمردانه نبودیم. نمی‌دانم چرا این خاطره‌ی ایام نوجوانی مرا به یاد المپیک برلن در سال ۱۹۳۶ میلادی انداخت. جایی که ورزشکاران آلمانی در آن بیشترین مدال را آوردند و قهرمان شدند اما به گمانم آن بازی‌ها نیز برنده‌ای نداشتند. روح حاکم بر المپیکی که هیتلر برگزار کرد، نمی‌توانست روح جوانمردی و پهلوانی باشد. حزب نازی ابتدا حاضر به پذیرش یهودیان و سیاه‌پوستان به مسابقات نبود و صرفا از روی ناچاری به آنها اجازه‌ی حضور در رقابت‌ها را داد. «جسی اونس» دونده سیاه‌پوست امریکایی یکی از همین آدم‌ها بود. در روز مسابقه ابتدا با وعده و وعید و بعد با تهدید خواستند او را به باخت ساختگی وادار کنند. چرا که هیتلر سیاه‌پوستان را نژاد پست می‌دانست و باید رضایت وی به عمل می‌آمد. خودش هم در ورزشگاه حضور داشت. آمده بود تا با دست خود به دونده‌ی برنده که مقرر کرده بود آلمانی باشد، مدال بدهد اما جسی اونس دوندگان آلمانی را شکست داد و باعث شد رهبر نژادپرست آلمان نازی با خشم استادیوم را ترک کند. رفت تا سه سال بعد جهان را در خشم و غرور خویش به آتش بکشد.

«فرار به سوی پیروزی» یکی از فیلم‌های ساخته شده درباره فوتبال و جنگ جهانی دوم است که نخستین بار در بعدازظهر یکی از همان جمعه‌های نوجوانی نسل ما از تلویزیون به نمایش درآمد. فرمانده یکی از اردوگاه‌های اسیران جنگی، تصمیم می‌گیرد یک بازی فوتبال میان سربازان آلمانی و اسرا برگزار کند. در روز مسابقه آلمانی‌ها برای فرار از شکست دست به هر عمل ناجوانمردانه‌ای می‌زنند و در بین دو نیمه اسیران را به مرگ در صورت پیروزی در مسابقه تهدید می‌کنند. این فیلم بر اساس یک واقعیت تاریخی در اوکراین ساخته شده، با این تفاوت که پایان خوش هالیوودی تلخی سرنوشت بازیکنان را دگرگون ساخته است. بازی‌های زیادی هستند که برنده ندارند. همه‌ی این بازی‌ها هم لزوما در زمین ورزش اتفاق نمی‌افتند. زمین سیاست هم از این «بی‌برنده بازی»ها زیاد دارد. گاهی همه بازنده‌اند؛ حتا داوران و ناظران. خاطرات آدم را به کجا که نمی‌برد.

یادداشت

نگران باشید، ما به فکر شما نیستیم!

امید محمودزاده ابراهیمی

پس از هفته‌ها جنجال و کشمکش بالاخره وزارت بهداشت ابتلای چندین نفر به کرونا را تایید کرد. تاکنون نزدیک به ۸۰۰ نفر مورد مشکوک بستری شده‌اند. ۴۳ نفر مبتلای قطعی بوده و ۸ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. اما چرا بعد از چند هفته و ناگهانی این موضوع اعلام شد؟ با توجه به روحیه مدیریت مسئولان می‌توان گفت عدم اطلاع‌رسانی و اقدام به موقع موجب شد که کار به بحران برسد. البته این اتفاق غریبی نیست. در همه حوادث مهم کشوری چنین برخورد مشابهی انجام شده است. خبر درز می‌کند؛ شایعه می‌شود؛ تکذیب می‌شود و آنقدر تکذیب ادامه پیدا می‌کند تا به حقیقت برسد. در اوایل شیوع کرونا در دنیا حتی هشدار سازمان جهانی بهداشت نیز برای مسئولان جدی تلقی نشد. هیچ پیشگیری خاصی صورت نگرفت. دو ماه وقت داشتیم که پیشگیری‌های لازم را انجام دهیم. بدون هیاهو و ترساندن مردم. می‌توانستیم شعار ندهیم و در عین حال دروغ هم نگوییم. اگر خبرنگاری پرسید که کرونا در ایران آمده بلافاصله تکذیب نکنیم. مثل خطای انسانی که بوئینگ اکراینی را ساقط کرد و مرتبا تکذیب می‌شد. هیچ‌وقت متوجه نشدم اگر قرار است تمامی جواب‌ها از درون جعبه سیاه بوئینگ بیرون بیاید پس چه اصراری به تکذیب اصابت موشک وجود داشت؟ چرا نمی‌گفتیم «بله این مورد هم محتمل هست و بررسی می‌کنیم». خروجیِ این عدم صداقت‌ها تابه حال چه چیزی بوده است؟

کرونا چندین هفته است که مهمان ایرانی‌ها شده اما مسئولان با ژست عدم نگران کردن جامعه؛ آن‌قدر بی‌صداقتی به خرج داده و فشل عمل کردند که حالا با بحران این مهمان ناخوانده مواجه شدیم. سعید نمکی وزیر بهداشت در خبری که روابط عمومی این وزارتخانه منتشر کرده است؛ گفته: «ممکن است افرادی دچار علایم بیماری شده باشند اما همه آنها کرونا نیست. برای تشخیص این بیماری سه بار باید آزمایش انجام شود مرحله آخر آزمایشی است که در انستیتو پاستور انجام می‌شود و اگر این مرکز امضا کند به عنوان مبتلا به کرونای جدید است». با این گفته‌ها مشخص می‌شود که تشخیص کرونا در شهرهای کوچک امکان‌پذیر نبوده و باید در مراکز تخصصی آزمایش‌هایی انجام شود. نمکی همچنین گفته است: «بر اساس پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی افراد که علایم بیماری را داشته باشند و به چین یا کشورهای آلوده سفر کرده باشند به عنوان افراد مشکوک با آنها برخورد می‌کنیم. هیچ یک از افرادی که در قم گزارش شد سفری به کشور خارجی نداشتند، حتی طبق اعلام خودشان هیچ تماسی با افراد آلوده به ویروس کرونا نداشتند. به همین علت همکاران ما در قم طبق پروتکل این افراد را به عنوان افراد مشکوک تلقی نکردند.» چنین صحبت‌هایی از وزیر بهداشت نشان می‌دهد نه تنها هشدار سازمان بهداشت جهانی در خصوص شیوع این بیماری کشنده جدی تلقی نشده بلکه ساده‌انگاری نیز صورت گرفته است. چطور از بیماری که نمی‌داند کرونا چیست بپرسیم که آیا تواخیراً با بیماران کرونایی تماس داشته‌ای؟ آن شخص از کجا باید تشخیص دهد کرونا دارد یا سرماخوردگی؟

اینکه چرا اقدامات پیشگیرانه در این خصوص انجام نگرفته احتمالا قصه‌ای طولانی دارد. مثلا ردیف بودجه برای چنین مواردی تعریف نشده و کمبود امکانات وجود دارد. عدم حساسیت دولت و انفعال آن ممکن است ریشه در رفتار سیاسی در موقعیت کنونی کشور باشد. تصور کنید اگر انتخابات مجلس به دلیل پیشگیری از شیوع کرونا به تعویق می‌افتاد، آن‌وقت رسانه‌های غیرمردمی چه تیترهایی که نمی‌زدند می‌دانیم همه این توجیهات نتیجه‌ای جز ضرر برای مردم نداشته است.

اگر هشدارها را جدی بگیریم و برای کاهش هزینه‌های ناخواسته؛ پیشگیری‌های لازم انجام شود، اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف جایگزین تکذیب‌های مکرر شود و نگاه غالب «حفظ جان انسان‌ها» باشد، آن زمان است که می‌توان شروع به بازسازی اعتماد از دست رفته کرد و گفت: نگران نباشید، ما به فکر شما هستیم.

برد مقتدرانه تیم فوتبال بانوان شهرداری سیرجان

تیم فوتبال بانوان شهرداری سیرجان صبح امروز موفق شد حریف خود را با ۷ گل بدرقه کند.

به گزارش واحد خبر مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان، در هفته هجدهم لیگ برتر فوتبال بانوان کشور جام کوثر، صبح دیروز بانوان شهرداری سیرجان در ورزشگاه تختی سیرجان موفق شد تیم ملوان بندرانزلی را با نتیجه ۷ بر صفر شکست دهد و با ۴۱ امتیاز به رده سوم صعود کند.

بنا بر این گزارش، این سومین برد متوالی تیم فوتبال بانوان شهرداری سیرجان است؛ پیش از این نیز در هفته شانزدهم سپاهان اصفهان رده سومی در سیرجان با ۳ گل شکست خورده بود و در هفته هفدهم تیم چوان کردستان رده دومی در سنندج دومین شکست خود را برابر شهرداری سیرجان با ۳ گل تجربه کرد.

گفتنی است گل‌های این دیدار را شبنم بهشت ۴ گل و زهرا علیزاده، فاطمه شجاعی و ملیکا متولی هر کدام ۱ گل به ثمر رساندند.

با حضور به موقع آتشنشانان شهرداری سیرجان انجام شد؛

جلوگیری از وقوع یک حادثه بزرگ

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری سیرجان از جلوگیری انفجار تریلر حامل مایع هیدروکربن و وقوع یک حادثه بزرگ و جبران‌ناپذیر خبر داد.

به گزارش واحد خبر مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان، آتشپادسوم مهدی فیروزآبادی در توضیح این حادثه گفت: ساعت ۱۹:۰۷ روز شنبه هفته جاری وقوع یک حادثه به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که بلافاصله دو اکیپ عملیاتی آتش‌نشانی از ایستگاه شماره ۲ و آتش‌نشانی زیدآباد با دستور ستاد فرماندهی آتش‌نشانی سیرجان به محل وقوع حادثه در جاده شهربابک (دوراهی کاظم‌آباد) اعزام شدند.

وی افزود: یک دستگاه تریلر حامل هیدروکربن مایع در لاین برگشت به سمت سیرجان به علت نامعلومی دچار واژگونی شد و با توجه به بار قابل اشتعال و انفجار مهیب تانکر، موارد ایمنی عملیاتی در دستور کار قرار گرفت.

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری سیرجان بیان کرد: نیروهای آتش‌نشانی با انجام تدابیر و ایجاد حلقه کامل ایمنی آب، از حجم بخار جمع شده مایع بر سطح زمین کاسته و با گودبرداری با فاصله از تانکر و هدایت مایع به داخل آن، پوشش تانکر و سطح گودی با استفاده از کف، مانع از انفجار و وقوع یک حادثه بزرگ و جبران‌ناپذیر شدند.

آتشپادسوم مهدی فیروزآبادی اظهار داشت: ماموران آتش‌نشانی پس از ۳ ساعت تلاش بی‌وقفه و رعایت اقدامات ایمنی لازم به این عملیات مهیب پایان دادند.

جناب آقای حاج شهباز حسن‌پور

انتخاب مجدد جنابعالی **به عنوان نماینده مردم سیرجان و بردسیر در مجلس شورای اسلامی** را تبریک عرض می‌کنم.
از خداوند سبحان موفقیت و سربلندی شما را در عرصه خدمتگزاری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و توسعه شهرستان سیرجان خواستارم.
زهرا سرداری‌پور، جهاد کشاورزی سیرجان

جناب آقای
حاج شهباز حسن‌پور
انتخاب مجدد جنابعالی به عنوان نماینده مردم سیرجان و بردسیر در مجلس شورای اسلامی سرآغاز راهی پرامید برای دستیابی به قله‌های رفیع توسعه شهرستان‌های سیرجان و بردسیر است. این انتخاب شایسته را تبریک عرض نموده، از درگاه خداوند موفقیت و سربلندی شما را آرزومندیم.
رستوران گلیم

جناب آقای رضا سروش‌نیا؛ شهردار محترم سیرجان
و جناب آقای امین صادقی؛ رییس محترم شورای اسلامی شهر
بدینوسیله مراتب تشکر و قدردانی خود از زحمات شما را بابت محوطه‌سازی و زیباسازی معبر بازار روز اعلام می‌داریم.
با احترام فراوان
سید پدرام شهیدی و مهدی جویاری

سرکار خانم پونه محمودی
درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، خداوند روح آن عزیز از دست‌رفته را قرین رحمت و مغفرت نماید.
هفته‌نامه پاسارگاد